

درنگی بر چگونگی پیوند ابیات الحاقی در چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی

محمدصادق خاتمی* سلمان ساکت**

دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

به باور نسخه‌پژوهان، خوانندگان نسخ خطی به هنگام مطالعه، اگر روایت‌های دیگری از داستان‌ها و عبارت‌ها یا اشعاری مرتبط با متن را در ذهن داشتند، آن‌ها را در حاشیه‌ی نسخه می‌افزودند. این افزوده‌ها چندی بعد به وسیله‌ی برخی از کاتبان به متن وارد شده است. این تصرفات را می‌توان به دو دسته‌ی عمدی و غیرعمدی تقسیم کرد. تصرفات عمدی معمولاً به دست کاتبانی وارد متن می‌شود که یا نسخه را برای خود می‌نویسند، یا هم نقش کاتب و هم وظیفه‌ی مصحح را بر عهده دارند. موضوع اخیر به‌ویژه در چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی، مهم‌ترین اثر فارسی شرف‌الدین منیری (۶۶۱؟ - ۷۸۲ ق) نمود یافته است؛ زیرا در چاپ‌های سنگی صد مکتوب، ابیاتی از سوی کاتبان به متن افزوده شده است که در دست‌نویس‌های کهن مکتوبات صدی وجود ندارد. نگارندگان در این نوشتار، ابیات افزوده به متن را شناسایی کرده و سپس چگونگی پیوند آن‌ها را با مکتوبات صدی نشان داده‌اند. بر این اساس، ابیات الحاقی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: نخست ابیات سخنورانی که پیش از درگذشت شیخ منیری می‌زیسته‌اند و دیگر، اشعار گویندگان پس از شرف‌الدین و سوم ابیاتی که شاعران آن‌ها را نمی‌شناسیم. به باور نگارندگان، گذشته از ابیاتی که هیچ پیوندی با متن ندارند، دیگر ابیات افزوده به چاپ‌های سنگی به شش دلیل: ۱. تأکید و تأیید معنا؛ ۲. ایضاح متن؛ ۳.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی m.s.khatami92@gmail.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی saket@ferdowsi.um.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

تکمیل و تتمیم معنای اشعار؛ ۴. برگرداندن منظوم معنا؛ ۵. تداعی معانی؛ ۶. تمثیل و مثل، با مکتوبات صدی پیوند می‌یابند.

واژه‌های کلیدی: ابیات الحاقی، چاپ‌های سنگی، شرف‌الدین منیری، مکتوبات صدی.

۱. مقدمه

مکاتیب/ مکتوبات که به باور نگارندگان باید آن را در حوزه‌ی تصوف شبه‌قاره یک زیرگونه (ساب‌ژانر) ادبی به‌شمار آورد، به‌عنوان ابزاری کارآمد برای انتقال تعالیم مشایخ آن سامان به‌شمار می‌آمده است. از جمله‌ی این مشایخ که در بهار هندوستان می‌زیسته، شرف‌الدین منیری، پرتألیف‌ترین شیخ طریقه‌ی کبرویه‌ی فردوسیه است. بر اساس سه مجموعه‌ی مکتوب که از او باقی مانده است (رک. مطیع‌الامام، ۱۳۷۲ش/ ۱۹۹۳م: ۱۷۳ - ۱۸۶)، پیداست که او با این مکتوبات، تعالیم خود را در شبکه‌ی خانقاه‌های کوچکی که از بهار تا سنارگاؤن/ سنارگانو بنگال و نیز بسیاری از نواحی هندوستان ادامه داشته (رک. رضوی، ۱۳۸۰: ۲۹۱)، منتشر می‌کرده است.

مجموعه‌ی نخست این سه مجموعه، موسوم به مکتوبات صدی^۱، به گواه منابع، مهم‌ترین آن مجموعه‌ها و شاخص‌ترین اثر صوفیانه‌ی شرف‌الدین است. مکتوبات صدی از زمان تألیف، همواره مورد توجه بوده و این خود سبب کثرت استنساخ و در نتیجه، گاه افزودن ابیات از سوی کاتبان به این اثر شده است. از دیگر سو، مکتوبات صدی هشت‌بار در شبه‌قاره به شیوه‌ی چاپ سنگی منتشر شده و ابیاتی از سوی کاتبان این چاپ‌ها که نقش مصحح اثر را نیز بر عهده داشتند، به این اثر افزوده شده است که نگارندگان آن‌ها را در نسخ کهن صد مکتوب که در دست دارند، نیافته‌اند.

این نوشتار بر آن است تا پس از معرفی مختصر مکتوبات صدی، با بررسی پنج چاپ سنگی این اثر و مقایسه‌ی آن‌ها با نسخ کهن صد مکتوب، تمامی ابیات الحاقی را در این چاپ‌ها مشخص و نقش این ابیات را در مکتوبات صدی بررسی کند.

۲. بیان مسئله، پرسش‌های تحقیق و روش پژوهش

مسئله‌ی کنونی این پژوهش، شناسایی ابیات افزوده به چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی و سپس تبیین چگونگی پیوند آن‌ها با متن است، که افزون‌بر این که به‌عنوان یک دلیل، ضرورت تصحیح انتقادی مکتوبات صدی را نشان می‌دهد، به‌سبب تعیین رویکرد کاتبان چاپ‌های سنگی در پیوند ابیات الحاقی با اثر و نیز مشخص کردن دلایل پیوند ابیات افزوده به متن، اهمیت بسیاری دارد و ضرورت پژوهش حاضر را نشان می‌دهد. این نوشتار می‌کوشد با بررسی علمی این مسئله، به سه پرسش زیر پاسخ دهد:

۱. مشخص کردن ابیات الحاقی در چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی چه ضرورتی دارد؟

۲. ابیات افزوده به چاپ‌های سنگی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟

۳. دلایل پیوند ابیات الحاقی با چاپ‌های سنگی در چند رده دسته‌بندی می‌شوند؟

نگارندگان در مقاله‌ی حاضر به روش کتابخانه‌ای پنج نسخه را بررسی کرده‌اند. این نسخه‌ها عبارتند از: سه نسخه‌ی مورخ سده‌ی هشتم هجری، یعنی نسخه‌ی شماره‌ی ۱۳۹۲۶ کتابخانه‌ی گنج‌بخش (مورخ سده‌ی ۸ ق)، نسخه‌ی شماره‌ی ۱۴۷۱۳ کتابخانه‌ی گنج‌بخش (مورخ سده‌ی ۸ ق) و چاپ عکسی پتینه (از روی نسخه‌ی شماره‌ی ۴۹۹۷ کتابخانه‌ی خدابخش، مورخ سده‌ی ۸ ق) و نیز دو نسخه‌ی مورخ قرن نهم هجری، یعنی نسخه‌ی شماره‌ی ۴۰۵۵ کتابخانه‌ی گنج‌بخش (مورخ سده‌ی ۹ ق) و نسخه‌ی شماره‌ی ۱۷۵۸۶ کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی (احتمالاً مورخ سده‌ی ۹ ق). نسخه‌های یادشده، تا امروز کهن‌ترین و معتبرترین نسخ شناخته‌شده از مکتوبات صدی هستند. نتیجه‌ی بررسی نشان می‌دهد که ابیات الحاقی چاپ‌های سنگی در هیچ‌یک از آن نسخه‌ها وجود ندارد. سپس در نوشتار حاضر برای جلوگیری از تکرار، چاپ عکسی پتینه را به دلیل آن‌که در دسترس همگان است و در نداشتن ابیات الحاقی دقیقاً شبیه به نسخ کهن و معتبر مذکور است، به‌عنوان نماینده‌ی این گروه از نسخه‌ها انتخاب کردند.

گفتنی است نسخه‌ای که چاپ عکسی پتینه براساس آن فراهم آمده، در دوران حیات شرف‌الدین منیری (م. ۷۸۲ ق) کتابت شده و از هامش‌های نسخه که به خط متن است،

پیداست که مظفر شمس بلخی (م. ۸۰۳/۷۸۸ ق)، نخستین خلیفه‌ی شیخ منیری، این نسخه را در دست داشته و توضیحات شرف‌الدین را یادداشت می‌کرده است. این نسخه سپس به دست حسین بن معز بلخی، معروف به حسین نوشته توحید (م. ۸۴۴ ق)، برادرزاده و جانشین مظفر شمس بلخی رسیده است (رک. روحی، ۱۹۹۴م: گیاره - تیره).

۳. پیشینه‌ی پژوهش

بر پایه‌ی اطلاع نویسندگان، تاکنون پژوهشی مستقل درباره‌ی موضوع این نوشتار انجام نگرفته است. پیش‌تر، نگارندگان در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت تصحیح انتقادی مکتوبات صدی از شرف‌الدین منیری»، به وجود ابیات الحاقی در مکتوبات صدی اشاره کرده و وجود این ابیات الحاقی را به‌عنوان یکی از ضرورت‌های تصحیح انتقادی این اثر برشمرده‌اند (رک. خاتمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۶ - ۴۹).

۴. بحث و بررسی

احمدبن یحیی بن اسرائیل بن محمد الهاشمی المنیری (۶۶۱؟ - ۷۸۲ ق)، ملقب به «شرف‌الدین» و منسوب به «منیر» هندوستان (روستایی در استان بهار کنونی، واقع در شرق هند) به‌احتمال در سال ۶۶۱ ق زاده شد. شرف‌الدین در سال ۶۷۸/۶۷۹ هجری برای تحصیل از منیر به سنارگاؤن/ سنارگانو بنگال رفت و در سال ۶۹۰ ق از تحصیل فراغت یافت. او در سال ۶۹۱ ق با همراهی برادر بزرگ خود، شیخ جلیل‌الدین، برای یافتن پیر به دهلی سفر کرد و در نهایت به نجیب‌الدین فردوسی دست ارادت داد. در سال ۶۹۵ ق در راه بازگشت از دهلی سی سال در جنگل‌های بی‌هیا و راجگیر پنهان شد و در نهایت در سال ۷۲۱ هجری از جنگل راجگیر بیرون آمد و ده سال در روزهای جمعه در شهر بهار اقامت می‌کرد. در ۷۳۱ ق در بهار ساکن شد و سلطان محمدبن تغلق (حک. ۷۲۵ - ۷۵۲ ق)، پادشاه دهلی خطاب به مجدالملک، مقطع بهار، فرمانی مبنی بر ساخت

خانقاه برای تدریس شیخ صادر کرد. شرف‌الدین سرانجام در ششم شوال ۷۸۲ق در بهار درگذشت (رک. مطیع‌الامام، ۱۳۷۲ش/ ۱۹۹۳م: ۵۱ - ۱۰۹).

افزون بر آثار بسیار، سه مجموعه‌ی مکتوب نیز از شرف‌الدین باقی است که مجموعه‌ی نخست، موسوم به *مکتوبات صدی*، به لحاظ تنوع موضوعات و سلاست بیان بر دو مجموعه‌ی دیگر برتری دارد. *مکتوبات صدی* شامل صد مکتوب صوفیانه‌ی پارسی است که در ماه‌های سال ۷۴۷ق بنا به درخواست یکی از مریدان مهم شیخ با نام قاضی شمس‌الدین (م. پس از ۷۸۲ق) و در پاسخ‌های شیخ به پرسش‌های او نوشته شده است. سپس یکی از مریدان خاص شیخ با نام زین بدر عربی (م. پس از ۷۸۲ق) در همان سال و به احتمال بسیار در ۷۴۸ق، آن مکتوبات را با نوشتن دیباچه‌ای عالمانه بر آن فراهم آورد (رک. منیری، ۱۰۴۱ق: ۱ پ).

۱.۴. چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی

مکتوبات صدی تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند، هشت بار در شبه‌قاره به شیوه‌ی چاپ سنگی به طبع رسیده است^۲ که در ادامه، توصیف ساختاری - محتوایی پنج چاپ در دسترس، به ترتیب سال چاپ آمده است:

۱. چاپ نخست با نام *مکتوبات صدی* در دو جلد به‌اهتمام منشی جیکوبندها و انتظام یادعلی خان کوتاهوی «در مطبع منشی سنت پرشاد وکیل عدالت» صاحب آروی آره به طبع رسیده است. جلد نخست در سال ۱۲۸۶ ق و جلد دوم در تاریخ بیست و دوم ذی‌الحجه سنه‌ی ۱۲۸۷ ق «به انتظام یاد علیحان (ظ: علی‌خان) حلیه‌ی طبع پوشید.» این چاپ به خط نستعلیق است و گویا جلد نخست را یادعلی خان کوتاهوی و جلد دوم را برکت‌الله خان کوتاهوی در سال‌های ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق نوشته‌اند. چاپ حاضر نسبتاً مغلوط است و در مواردی، ضبط‌ها و عبارت‌هایی را ارائه می‌دهد که در هیچ‌یک از نسخ کهن یا دیگر چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی وجود ندارد و به احتمال بسیار، افزوده‌ی کاتبان باشد، اما به انسجام متن کمک می‌کند. این چاپ در نوشتار حاضر با رمز (K) مشخص شده است.

۲. چاپ بعد نیز با نام *مکتوبات صدی* «به تحشی و تنقیح فراوان و صحت مقابله از نسخ عدیده‌ی صحیح‌هی عالمان و درویشان حسب فرمایش فاضل اعظم محمد علی اکرم صاحب آروی» به قطع وزیری بزرگ و به سعی و اهتمام محمدعلی بخش‌خان (مالک مطبع) در بیستم جمادی‌الثانی سال ۱۲۸۷ ق / ۱۸۷۰م «در مطبع علوی محمدعلی بخش‌خان نقشبندی» لکهنو چاپ شده است. این چاپ نیز ظاهراً از روی نسخه‌ی نسبتاً کهنی به خط نستعلیق کتابت شده است، همچنان‌که به گمان نگارندگان می‌توان آن را به لحاظ تصرفات اندک کاتب و اغلاط نادر آن، بهترین چاپ سنگی *مکتوبات صدی* نامید.^۳ این چاپ در این نوشتار با رمز (H) مشخص شده است.

۳. سومین چاپ با نام *مکتوبات حضرت شیخ شرف‌الدین یحیی منیری قدس سره* در سال ۱۳۰۳ ق / ۱۸۸۵م «حسب تحریک زبده‌السالکین قدوة‌العارفین محیی سنت قانع بدعت جناب مولانا محمد ابوالحسن صاحب عم فیضه»، در مطبع منشی نول‌کشور لکهنو به طبع رسیده است. نگارندگان براساس مطابقت این چاپ‌ها با نسخ کهن دریافته‌اند که چاپ حاضر از روی دست‌نویس شماره‌ی 93701 کتابخانه‌ی علامه اقبال دانشگاه کشمیر (مورخ ۱۰۴۱ ق) نوشته شده است. این چاپ در نوشتار حاضر با رمز (M) مشخص شده است.

۴. چهارمین چاپ با نام *سه صدی مکتوبات* (مضامین تصوف و عرفان) در سال ۱۳۱۹ ق / ۱۹۰۲ - ۱۹۰۱م «حسب فرمایش کتبخانه‌ی اسلامی پنجاب لاهور به‌اهتمام مالک و مہتمم در مطبع اسلامی لاهور» طبع شده است. *مکتوبات صدی* در بخش نخست این چاپ آمده است. در دیباچه آمده است: «آلوده‌ی معاصی و مبتلای مکاره‌ی دنیا بنده‌ی کرم‌بخش... سعی بلیغ نموده سه صد مکتوبات را طبع کرده». نگارندگان دریافتند چاپ حاضر به نسخه‌ی شماره‌ی 93701 کتابخانه‌ی علامه اقبال دانشگاه کشمیر (مورخ ۱۰۴۱ ق) شباهت بسیار دارد، هرچند گویا کاتب در چاپ سنگی تصرفات بسیار کرده است. این چاپ در این نوشتار با رمز (R) مشخص شده است.

۵. آخرین چاپ نیز با نام *مکتوبات حضرت شیخ شرف‌الدین یحیی منیری قدس سره* در سال ۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۱م «حسب تحریک جناب فضیلت‌مآب زبده‌العارفین فخر زمن جناب

مولانا محمد ابوالحسن صاحب عمّ فیضه»، در مطبع منشی نول‌کشور کانپور، «به سرپرستی... منشی پراگ نراین صاحب رای بهادر، مالک مطبع... به‌اهتمام کامل منشی بهگواند یال صاحب عاقل ... (کلمه‌ای ناخوانا)» به طبع رسیده که در پایان آن نیز «قطعه‌ی تاریخ طبع از مولانا محمد حامد علی‌خان حامد شاه‌آبادی محافظ عمله‌ی تصحیح» آمده است. این چاپ ضبط‌هایی دارد که نشان می‌دهد از روی نسخه‌ی متأخری کتابت شده است. چاپ مذکور در نوشتار حاضر با رمز (S) مشخص شده است.

گفتنی است سه چاپ سنگی دیگر از مکتوبات صدی نیز در سال ۱۲۸۷ ق / ۱۸۷۰م در مطبع سنت پرشاد آره و در سال ۱۳۰۷ ق / ۱۸۹۰م به فرمایش محمد ابوالحسن در چاپخانه‌ی نول‌کشور لکهنو و در سال ۱۳۱۶ ق / ۱۸۹۸م در مطبع نول‌کشور کانپور به چاپ رسیده است.

۴. ۱. ۱. افزوده‌ها در چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی

به باور نسخه‌پژوهان و متن‌شناسان این احتمال بسیار زیاد است که صاحبان یک نسخه یا کسانی که آن نسخه را مطالعه می‌کرده‌اند، مطالبی را به حواشی آن افزوده، یا در بین سطور آن دست‌نویس، یادداشت‌هایی می‌نوشتند که به‌تدریج در استنساخ‌های بعدی وارد متن شده است (رک. امیدسالار، ۱۳۸۴-۱۳۸۵: ۸). مواردی از این‌گونه در برخی از چاپ‌های سنگی صد مکتوب وجود دارد که بی‌هیچ ضرورتی به متن افزوده شده است و در هیچ‌یک از نسخ کهن این اثر وجود ندارد. این موارد عبارتند از: افزودن عبارات، افزودن عناوین به مکتوبات، افزوده‌های شعری.

در چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی کاستی‌های متعددی وجود دارد که لزوم تصحیح انتقادی این اثر را نشان می‌دهد. از جمله‌ی این کاستی‌ها می‌توان به «ابیات افزوده در چاپ‌های سنگی» اشاره کرد که خود به سه دسته تقسیم می‌شوند: نخست ابیات سخنورانی که پیش از درگذشت شیخ منیری می‌زیسته‌اند و دوم، اشعار گویندگان پس از شیخ و سوم ابیاتی که شاعران آن‌ها را نمی‌شناسیم. از این میان، افزوده‌های دسته‌ی دوم

به‌یقین از سوی کاتبان سده‌های بعد است. در نوشتار حاضر، تمامی اشعار الحاقی از این تقسیم‌بندی سه‌گانه بررسی شده است.

۴. ۱. ۲. افزوده‌های شعری

به باور نگارندگان، در چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی افزون بر تصرفات عمدی، به دلیل ایفای نقش هم‌زمان کاتب به‌عنوان مصحح (رک. امیدسالار، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۱۱۴)، توجه به این اثر و استنساخ بسیار آن نیز عاملی بسیار مهم برای افزودن ابیات از سوی کاتبان در دوره‌های بعد بوده است؛ زیرا تا آنجا که می‌دانیم، از مکتوبات صدی نزدیک به چهل نسخه وجود دارد که بیست و هفت دست‌نویس مربوط به سده‌های دهم تا چهاردهم هجری است. برای نمونه، به گفته‌ی نویسنده‌ی در قلمروی خان خانان، جلال‌الدین اکبر (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به نوشته‌های شرف‌الدین منیری که «تقدسی ساده و عاقلانه را تعلیم می‌داده‌اند، با علاقه‌ای خاص توجه کرده است» (شیمل، ۱۳۸۹: ۱۶۰)؛ بی‌شک این اقبال به آثار شرف‌الدین و از جمله مکتوبات صدی و کتابت از آن در زمان این پادشاه، روند افزودن ابیات را نیز از سوی کاتبان شتاب بخشیده است، چنان‌که نشانه‌هایی از ابیات افزوده را می‌توان در ثمرات‌القدس من شجرات‌الانس لعلی بدخشی (۹۶۸-۱۰۲۲ ق) نیز یافت؛ زیرا در این کتاب، بیتی از حافظ به پایان مکتوب چهل و نهم شیخ با عنوان «در طالب» افزوده شده است (رک. لعلی بدخشی، ۱۳۷۶: ۹۴۰) و با دلایلی که نگارندگان در نوشتار دیگری ارائه دادند (رک. خاتمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۸-۴۹)، این بیت به‌یقین افزوده‌ی کاتبان اواسط سده‌ی نهم هجری به بعد است و گویا لعلی بدخشی نیز شواهد کتاب خود را از نسخه‌ای متأخر از مکتوبات صدی که نزدیک به زمان اوست، استخراج کرده است. این مدعا با سخن افشین‌وفایی نیز پیوند می‌یابد که استشهاد به ابیات حافظ در آثار فارسی شبه‌قاره، از اواسط سده‌ی نهم هجری آغاز شد و به‌آرامی رونق گرفت (رک. افشین‌وفایی، ۱۳۹۲: ۱۷).

۴. ۱. ۲. ۱. دسته‌ی نخست

چنان‌که گذشت، به باور نگارندگان، گذشته از ابیاتی که هیچ پیوندی با متن ندارند، دیگر ابیات افزوده در چاپ‌های سنگی به شش دلیل: ۱. تأکید و تأیید معنا؛ ۲. ایضاح متن؛ ۳.

تکمیل و تتمیم معنای اشعار؛ ۴. برگرداندن منظوم معنا؛ ۵. تداعی معانی؛ ۶. تمثیل و مثل، با مکتوبات صدی پیوند یافته‌اند. در اینجا، این ابیات الحاقی ذیل تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای که قبلاً به آن اشاره شد، براساس دلایل فوق بررسی شده‌اند.

در نوشتار حاضر، پنج چاپ سنگی مکتوبات صدی که معرفی شده‌اند، با نسخ اثر مقایسه شده است، تا بر مدعای نگارندگان که ابیات زیر برای نخستین بار از سوی کاتبان به چاپ‌های سنگی افزوده شده‌اند، صحه بگذارد. پیداست به دلیل اختلاف این چاپ‌ها با یکدیگر، جدول گزارش‌ها نیز متغیر خواهد بود. همچنین انتخاب چاپ عکسی پتنه (از روی نسخه‌ی شماره‌ی ۴۹۹۷ کتابخانه‌ی خدابخش، مورخ سده‌ی ۸ ق) به معنای اتفاق تمامی نسخ خطی کهن و متأخر مکتوبات صدی با این دست‌نویس است و ابیات افزوده تنها در چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی وجود دارد. در اینجا، ابتدا به بررسی تمامی ابیات الحاقی از شاعرانی که پیش از درگذشت شیخ منیری می‌زیسته‌اند، پرداخته‌ایم.

الف. تأکید و تأیید معنا

به باور نگارندگان، ابیات الحاقی زیر به سبب تأکید و تأیید عبارت و مفهوم پیش از خود به متن افزوده شده‌اند و چنان‌که پیداست، در این موارد، گاه کاتبان ناگزیر شده‌اند که پیش از این ابیات، گزاره‌هایی را نیز به متن بیفزایند:

چاپ عکسی پتنه	چاپ‌های سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و آره مورخ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق (K)
علم سر همه سعادت‌هاست، چنان‌که جهل سر همه شقاوت‌هاست... درجات فردوسی... به علم یابند و در درکات جحیم... به جهل افتند (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۷۴ ر - ۱۷۴ پ).	علم سر همه سعادت‌هاست، چنان‌که جهل سر همه شقاوت‌هاست... درجات فردوسی... به علم یابد (K: یابند) و در درکات جحیم... به جهل افتد (K: افتند)، چنان‌که گفت: شعر نیست از بهر آسمان ازل/ نردبان پایه به ز علم و عمل» (رک. منیری، ۱۲۸۷ ق: ۱۷۳؛ منیری: ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق، ج ۲: ۲۲ - ۲۳).

این بیت در چاپ‌های مختلف حدیقه/الحقیقه بدون اختلاف آمده است (رک. سنایی، ۱۳۷۷: ۷۳؛ سنایی، ۱۳۸۲: ۶، ۱۰۵؛ سنایی، ۱۳۹۷: ۱۰۶، ۴۴۵).

چاپ سنگی آره مورخ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق (K)	چاپ عکسی پتته
و بسی باشد که مجاهده... آنجا نرساند که صحبت یک روزه این طایفه را رساند... جریان که صفت آب... و طیران که صفت کبوتر است، چوب و که را و مور را به حکم صحبت صفت می‌گردد، بدین طریق که گفته‌اند (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۷۴ پ - ۱۷۵ ر). در صحبت. اشارت بر این کرد که گفت: اسپ توسن ز اسپ ساکن‌رگ / گشت همخوار گر نشد هم‌تک (منیری، ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق، ج ۲: ۲۳).	بسی مجاهدت... آنجا نرساند که صحبت یک روزه این طایفه رساند... جریان که صفت آب... و طیران که صفت کبوتر است، چوب و که را و مور را به حکم صحبت صفت می‌گردد، بدین طریق که گفته‌اند (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۷۴ پ - ۱۷۵ ر).

این بیت در چاپ‌های مدرّس رضوی و یاحقی - زرقانی از حدیقه/الحقیقه با اختلاف «گشت هم‌خوار اگر نشد هم‌تک (چاپ یاحقی - زرقانی: هم‌تک)» (سنایی، ۱۳۷۷: ۴۵۰؛ سنایی، ۱۳۹۷: ۵۹۳) و در چاپ حسینی با اختلاف «گشت هم‌جو، اگر نشد هم‌تک» (سنایی، ۱۳۸۲: ۲۰۱) آمده است.

چاپ سنگی آره مورخ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق (K)	چاپ عکسی پتته
و روزگار امروز بیش نیست. چون اینجا کاری نبود، آنجا هم نبود... اگر این صفات	و روزگار امروز بیش نیست. چون اینجا کاری نبود، آنجا هم نبود. اگر این صفات

<p>خبیثه در کسی مانده بود... اگرچه در بهشت فردا بهشت فردا فرود آید... آن صفات نگردد و... گشتی نبود. پس آن مردی بود از خود بازمانده... اینجا می‌بایست که بگردد. چون اینجا نگشت، آنجا هم نگردد. از اینجا است که گفت: پاک شو تا ز اهل دین گردی / آنچنان باش تا چنین گردی (منیری، ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق، ج ۲: ۱۰۲).</p>	<p>خبیثه در کسی مانده بود... اگرچه در بهشت فردا فرود آید... آن صفات نگردد و... گشتی نبود. پس آن مردی بود از خود بازمانده... اینجا می‌بایست که بگردد. چون اینجا نگشت، آنجا نیز نگردد (منیری، ۱۹۹۴م: ۲۳۳ ر).</p>
--	---

بیت فوق در چاپ‌های مختلف حدیقه/الحقیقه بدون اختلاف آمده است (رک. سنایی،
 ۱۳۷۷: ۳۱۶؛ سنایی، ۱۳۸۲: ۱۰۰؛ سنایی، ۱۳۹۷: ۴۴۱).

چاپ‌های سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)، آره مورخ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق (K) و لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)	چاپ عکسی پتته
<p>و روزگار امروز پیش (R K: بیش) نیست. چون اینجا کاری (K: کاره) نبود، آنجا (K): + هم) نبود (R: نبو) بیت به غفلت می‌گذاری روزگاری / مگر در گور خواهی کرد کاری و (K: زیرکان را چو روز معلوم است / که شب و روز غافلان شوم است و؛ R: -) و) اگر این صفات خبیثه در کسی مانده بود و (K: مانده است) نگشته (K: + و)، اگر در بهشت فردا فرود آید... آن صفات نگردد و... گشتی نبود (رک. منیری،</p>	<p>و روزگار امروز بیش نیست. چون اینجا کاری نبود، آنجا هم نبود. اگر این صفات خبیثه در کسی مانده بود و نگشته، اگرچه در بهشت فردا فرود آید... آن صفات نگردد و... گشتی نبود (منیری، ۱۹۹۴م: ۲۳۳ ر).</p>

۱۲۸۷ ق: ۲۳۰؛ منیری: ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق، ج ۲: ۱۰۲؛ منیری: ۱۳۱۹ ق: ۲۰۴ - ۲۰۵).	
--	--

بیت نخست از *اسرارنامه‌ی عطّار* (م. ۶۲۷؟ ق) به‌گزین شده که مصراع دوم در آنجا با اختلاف «*دریغا گر چنین غافل بمانی*» (عطّار، ۱۳۸۶: ۱۹۶) آمده، چنان‌که بیت دوم نیز از *حدیقه‌الحقیقه* که در چاپ‌های مدرّس رضوی و حسینی با اختلاف «*عاقلان را چو روز معلوم است*» (سنایی، ۱۳۷۷: ۴۱۴؛ سنایی، ۱۳۸۲: ۱۷۲) آمده، به متن افزوده است. گفتنی است که نگارندگان این بیت را در چاپ *یاحقی* - زرقانی نیافتند.

ب. ایضاح متن

به باور نگارندگان، کاتبان ابیات الحاقی زیر را به قصد ایضاح به متن افزوده‌اند و چنان‌که پیداست، در این موارد، کاتبان گاه ناگزیر شده‌اند که پیش از این ابیات، گزاره‌هایی را نیز بیفزایند:

چاپ‌های سنگی لکهنو مورّخ ۱۲۸۷ق (H) و آره مورّخ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ق (K)	چاپ عکسی پتته
آخر (K: - آخر) فتوی شرع است: (K: + « <i>الْعَاقِلُ حَبِيبِي وَالْأَحْمَقُ عَدُوِّي</i> »)، «چنان‌که گریختن از جهل و جاهل واجب است، طلب‌کردن صحبت علما و علم فریضه است». علمای آخرت، نه علمای دنیا و علم آخرت، نه علم دنیا، تا در غلط نیفتد (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۷۴ پ).	آخر فتوی شرع است: «چنان‌که گریختن از جهل و جاهل واجب است، طلب‌کردن صحبت علما و علم فریضه است». علمای آخرت، نه علمای دنیا و علم آخرت، نه علم دنیا، تا در غلط نیفتد (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۷۴ پ).
آخر (K: - آخر) فتوی شرع است: (K: + « <i>الْعَاقِلُ حَبِيبِي وَالْأَحْمَقُ عَدُوِّي</i> »)، «چنان‌که گریختن از جهل و جاهل واجب است، طلب‌کردن صحبت علما و علم فریضه است». علمای آخرت، نه علمای دنیا و علم آخرت، نه علم دنیا، تا در غلط نیفتد. این است که گفت: مثنوی (K: - «این است که گفت: مثنوی») علم را چون تو خوانی از بازی / آلت و ساز (K: مال و) جاه از آن سازی / علم سوی در اله (K: الله) برد / نه سوی نفس و مال و جاه برد (K: + «علم	

<p>کز بهر کاخ و باغ بود/ همچو مر دزد را چراغ بود» (رک. منیری، ۱۲۸۷ق: ۱۷۴؛ منیری: ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ق، ج ۲: ۲۳).</p>	
--	--

این ابیات که از حدیقه‌الحقیقه به متن افزوده شده، در چاپ‌های مدرّس رضوی، حسینی و نیز یاحقی - زرقانی به صورت «علم را چون تو خوانی از بازیش / آلت جاه و ساز ره سازیش / علم سوی در اله برد/ نه سوی مال و نفس (چاپ‌های حسینی و یاحقی - زرقانی: نفس و مال) و جاه برد/ علم کز بهر باغ و راغ بود/ همچو مر دزد را چراغ بود» (سنایی، ۱۳۷۷: ۳۲۱، ۳۱۵، ۳۲۲؛ سنایی، ۱۳۸۲: ۱۰۳، ۹۹؛ سنایی، ۱۳۹۷: ۴۴۲، ۴۳۵، ۴۴۲) آمده، افزون بر این که در چاپ حسینی بیت سوم نیامده است. گفتنی است در انتهای هامشی در چاپ عکسی پتته (از روی نسخه‌ی شماره‌ی ۴۹۹۷ کتابخانه‌ی خدابخش، مورّخ سده‌ی ۸ ق) به خطّ متن آمده است: «بیت علم کز بهر کاخ و باغ بود/ وان همچو مر دزد» (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۷۴ پ).

چاپ سنگی آره مورّخ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق (K)	چاپ عکسی پتته
<p>حور و قصور و... آب روان بود، اما آن که آن کجا که مقصود جان‌ها... و قبله‌ی همه صادقان و کعبه‌ی همه روندگان است؟ «مَنْ لَهُ الْمَوْلَىٰ فَلَهُ الْكُلُّ» (حرف دوم بی نقطه؛ ظ: الْكُلُّ) «دولت ... (کلمه‌ای ناخوانا) باشد و این طایفه را اهل وحدت گویند که هنوز ایمان حقیقی از دو سه گذشته بود، که گفت: از دو سه عقل راست پیچاییچ/</p>	<p>حور و قصور و... آب روان بود، اما آن کجا که مقصود جان‌ها... و قبله‌ی همه صدیقان و کعبه‌ی همه روندگان است؟ (منیری، ۱۹۹۴م: ۲۳۳ پ).</p>

چشم ایمان دو سه نبیند هیچ (منیری، ۱۲۸۶-۱۲۸۷ق، ج ۲: ۱۰۲-۱۰۳).	
---	--

بیت فوق در چاپ‌های مدرّس رضوی و حسینی از حدیقه‌الحقیقه به صورت «در دویی عقل راست پیچاپیچ / چشم ایمان دویی نبیند هیچ» (سنایی، ۱۳۷۷: ۲۴۲؛ سنایی، ۱۳۸۲: ۷۸) و در چاپ یاحقی - زرقانی به صورت «در دوی عقل راست پیچاپیچ / چشم ایمان در او نبیند هیچ» (سنایی، ۱۳۹۷: ۲۶۷) آمده است.

چاپ سنگی آره مورّخ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق (K)	چاپ عکسی پتته
و سگ اصحاب کهف را از صفت او صورت آدمی سازند و در صفت آدمیان آرند، که او سگ صورت را هیچ اعتبار نیست، در صفت، چه آدمی، چه خرد (کذا)، چه سگ و چه سنگ و چه زر، اما اهل جهل را امروز کار به صورت است. این است که گفت: مرد صورت پرست کس نبود/ هوش او جز سوی هوس نبود/ هیچ معنی ندیده‌ام ز خان (ظ: خسان)/ گر تو دیدی سلام من برسان» (منیری، ۱۲۸۶-۱۲۸۷ق، ج ۲: ۱۰۱).	و سگ اصحاب کهف را از صفت او صورت سازند و در صف آدمیان در آرند، که او سگ صورت و آدمی صفت بود و آزر آدمی صورت و کفتار صفت بود» (منیری، ۱۹۹۴م: ۲۳۲ پ).

این ابیات در چاپ‌های مختلف حدیقه‌الحقیقه با اختلاف «من وفایی ندیده‌ام ز خسان»
(سنایی، ۱۳۷۷: ۴۵۳-۴۵۵؛ سنایی، ۱۳۸۲: ۲۰۳-۲۰۵؛ سنایی، ۱۳۹۷: ۵۹۵-۵۹۷) آمده است.

چاپ سنگی آره مورخ ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق (K)	چاپ عکسی پتته
<p>فضل صحبت از اینجا بشناسند، تا این دولت میسر شود. و بدان که از رسم و عادت نتواند که بیرون آید، مگر در سایه‌ی دولت صحبت اهل، چنان که گفت: قطعه با حیات تو دین برون ناید^۲/ شب مرگ تو روز دین زاید/ آن هوایی که پیش از این باشد/ رسم و عادت بود نه دین باشد/ تا در ره تست عادت خویش/ شیطان و منافقی نه درویش» (منیری، ۱۲۸۶-۱۲۸۷ق، ج ۲: ۲۴).</p>	<p>فضل و اثر صحبت اینجا بشناسند، تا این دولت میسر شود (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۷۵ ر).</p>

دو بیت نخست در چاپ مدرّس رضوی از حدیقه الحقیقه بدون اختلاف (رک. سنایی، ۱۳۷۷: ۹۷) و در چاپ حسینی با اختلاف «آن هوایی که پیش از این باشد» (سنایی، ۱۳۸۲: ۲۵) و در چاپ یاحقی - زرقانی با اختلاف «آن حیاتی که پیش از این باشد» (سنایی، ۱۳۹۷: ۱۳۴)، آمده است. نگارندگان از بیت سوم نشانی نیافتند.

ج. تکمیل و تمیم معنای اشعار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
نگارندگان برآنند که به احتمال بسیار، کاتبان، ابیات الحاقی زیر را برای تکمیل و تمیم معنای اشعار به چاپ‌های سنگی افزوده باشند:

چاپ سنگی آره مورخ ۱۲۸۶-۱۲۸۷ق ق (K)	چاپ عکسی پتته
<p>اشارت بر این معنی کرد... معشوق مرا گفت: نشین بر در من / مگذار درون هر که ندارد سر من / و آن کس که مرا خواهد گو بیخود</p>	<p>اشارت بر این معنی کرد... معشوق مرا گفت: نشین بر در من / مگذار درون هر که ندارد سر من (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۶۷ پ).</p>

باش / وین درخور کس نیست مگر درخور من (منیری، ۱۲۸۶-۱۲۸۷ق، ج ۲: ۱۳).	
---	--

بیت فوق در تمهیدات عین‌القضات (م. ۵۲۵ ق) بیت دوم از یک رباعی است با مطلع «معشوق مرا گفت نشین بر در من / مگذار درون آن که ندارد سر من / آن کس که مرا خواهد گو بیخود باش / این درخور کس نیست مگر درخور من» (عین‌القضات، ۱۳۷۳: ۲۲۸ - ۲۲۹).

چاپ سنگی آره مورخ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق (K)	چاپ عکسی پتنه
و قصه‌ی سگ اصحاب کهف و خردمندان را بر این شاهد است: سگی بود در خدمت مردان این راه، چند قدمی زد و مردم گشت، چنان‌که حضرت سعدی علیه الرحمه گفت: پسر نوح با بدان بنشست / خاندان نبوتش گم شد / سگ اصحاب کهف روزی چند / پیئ (کذا) نیکان گرفت مردم شد (منیری، ۱۲۸۶-۱۲۸۷ق، ج ۲: ۱۲۲).	و قصه‌ی سگ اصحاب کهف مر خردمندان را بر این شاهد است: سگی بود در خدمت مردان این راه، چند قدمی زد، مردم شد، چنان‌که گفته است: بیت سگ اصحاب کهف روزی چند / پی نیکان گرفت مردم شد (منیری، ۱۹۹۴م: ۲۵۱ پ).

این بیت الحاقی مشهور در چاپ‌های فروغی و یوسفی از گلستان (تألیف: ۶۵۶ ق.) با اختلاف «با بدان یار گشت همسر لوط» (سعدی، ۱۳۸۵: ۲۳؛ سعدی، ۱۳۸۹: ۶۲) آمده است. گفتنی است بیت حاضر تنها در هامش برگ ۲۳۳ پ نسخه‌ی ۴۰۵۵ کتابخانه‌ی گنج‌بخش (مورخ سده‌ی ۹ ق) به خط دیگر و به صورت «پسر نوه (کذا) با بدان بنشست (حرف دوم بی نقطه) / خانه‌دان (کذا) نبوتش گم شد» آمده است.

چاپ عکسی پتته	چاپ‌های سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)
این همه می‌کند ولیک از بیم / مرد را زهره نه که آه کند (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۹۴ پ).	این همه می‌کند ولیک از بیم / مرد را زهره نی که آه کند / ز آنکه رویش مثال آینه است / آه آینه را تباه کند (رک. منیری، ۱۲۸۷ق: ۱۹۳؛ منیری، ۱۳۱۹ق: ۱۷۰).

بیت نخست و نیز بیت الحاقی که در دیوان حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی با اختلاف «آه را زهره نی که آه کند» و «از پی آنکه رویش آینه است» ضبط شده (رک. سنایی، ۱۳۸۸: ۱۶۰)، در روح‌الارواح و نیز کشف‌الاسرار آمده و به احتمال بسیار از روح‌الارواح که در آنجا با اختلاف «زانکه رویش به سان آینه است» آمده (رک. سمعانی، ۱۳۶۸: ۵۷، ۱۴۲)، به دو چاپ حاضر افزوده شده باشد. این دو بیت در کشف‌الاسرار نیز به صورت «می‌کشد این جور از آن رخان چو ماه / زهره‌ی آن نه ورا که آه کند / از آنک رویش به سان آینه است / و آه آینه را تباه کند» (میبدی، ۱۳۸۲: ۶۰) آمده است. گفتمنی است شیخ منیری در آن بخش از مکتوب خود نیز به روح‌الارواح (رک. سمعانی، ۱۳۶۸: ۵۶ - ۵۷) نظر داشته، گرچه گویا سمعانی نیز همان بخش را از کشف‌الاسرار میبدی اقتباس کرده باشد. به هر روی، گویا کاتبان، بیت دوم را از روح‌الارواح یا کشف‌الاسرار و به احتمال ضعیف‌تر، از دیوان حکیم سنایی به آن چاپ‌ها افزوده باشند.

د. ابیات بی‌ارتباط با متن

به باور نگارندگان، بیت الحاقی زیر هیچ ارتباطی با نظام معنایی کلام ندارد و با حذف آن گسستی در معنا ایجاد نمی‌شود.

چاپ عکسی پتته	چاپ سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)
سرّ این معنی این است که گفت... قدم درنه در این [ره] همچو مردان / که خدمتکار تست آن چرخ گردان / خموشان‌اند در ره	سرّ این معنی این است که گفت... قدم درنه در این ره همچو مردان / که خدمتگار (کذا) تست این چرخ گردان / از آن کانی که

<p>سر نهاده/ زبان ببریده و در ره فتاده/ تو خوش خفته و ایشان در ره او/ همی بوسند خاک درگه او/ از آن کانی که جان‌ها گوهر اوست/ فلک از دیرگه خاک در اوست/ خموشان‌اند در ره سر نهاده/ زبان ببریده و در ره فتاده/ تو خوش خفته و ایشان در ره او/ همی بوسند خاک درگه او/ رقصان شو ای قراضه کز اصل اصل کانی/ جوای هرچه هستی می‌دان که عین آنی (منیری، ۱۳۸۷ق: ۲۷ - ۲۸).</p>	<p>سر نهاده/ زبان ببریده و در ره فتاده/ تو خوش خفته و ایشان در ره او/ همی بوسند خاک درگه او/ از آن کانی که جان‌ها گوهر اوست/ فلک از دیرگه خاک در اوست (منیری، ۱۹۹۴م: ۲۷ پ - ۲۸ ر).</p>
--	--

بیت فوق که در کلیات شمس آمده (رک. مولوی، ۲۵۳۵: ۲۰۶)، پس از ابیات پیشین آن، که از اسرارنامه برگرفته شده (رک. عطار، ۱۳۸۶: ۱۶۴-۱۶۶)، بدون هیچ ارتباطی به متن افزوده شده است.

۴.۲.۱.۲. دسته‌ی دوم

در این بخش سه شاهد از ابیات الحاقی از سخنورانی که پس از شیخ منیری می‌زیسته‌اند، آورده و بررسی شده است.

الف. برگرداندن منظوم معنا

گویا ابیات الحاقی در سه نمونه‌ی زیر به سبب گزاره‌های پیش از آن‌ها به متن افزوده شده‌اند، به گونه‌ای که پیوستگی نثر و شعر، هماهنگی الفاظ را نیز به دنبال دارد و ابیات افزوده به گونه‌ای، تکرار الفاظ و معنای همان گزاره‌ها هستند؛ بنابراین، حذف این ابیات نیز موجب نقض معنا نمی‌شود.

چاپ سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)	چاپ عکسی پتته
<p>چه آدمی را بدان صفت که آفریده، پاک‌شدن از او صورت نبندد، چنان‌که گلیم سیاه را سفیدکردن نتوان، پس کاری که محال است، بدان مشغول نشویم، بیت وگر به سعی کسانش سفیدتوان کرد/ گلیم بخت سیه را که یافتند (کذا) سیاه(منیری، ۱۳۸۷ق: ۵۸).</p>	<p>چه آدمی را بدان صفت آفریده‌اند و پاک‌شدن از او صورت نبندد، چنان‌که گلیم سیاه را سفیدکردن نتوان، پس کاری که محال است، بدان مشغول نشویم (منیری، ۱۹۹۴م: ۵۸ ر).</p>

نگارندگان بیت الحاقی فوق را در منابع نیافتند، گرچه به احتمال بسیار، بیت حاضر صورتی از بیت مشهور «به آب زمزم و کوثر سپید نتوان کرد/ گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه» باشد که در شمار یکی از قطعات دیوان حافظ آمده است (رک. حافظ، ۱۳۷۵: ۱۰۸۱؛ دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۷۴؛ دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۲: ۹۱۰)، چنان‌که دهخدا در جای دیگر نیز آن را به صورت «گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه/ به آب زمزم و کوثر سفید نتوان کرد» (دهخدا، ۱۳۶۳، ج ۳: ۱۳۲۲) به حافظ منسوب کرده است.

چاپ سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)	چاپ عکسی پتته
اگر خواهد به یک لحظه هزار هزار کافر را مؤمن گرداند... کس را زهره‌ی چون و چرا نه. بیت هست سلطانی مسلم مر تو را/ نیست کس را زهره‌ی چون و چرا (منیری، ۱۲۸۷ق: ۱۹۵).	اگر خواهد به یک لمحّه هزار هزار کافر را مؤمن گرداند... کس را زهره‌ی چون و چرا نه (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۹۶ پ).

بیت فوق از پندنامه که در آنجا با اختلاف «هست سلطانی مسلم مر ورا» (عطار، ۱۳۱۶: ۸) آمده، به‌گزین شده است. چنان‌که می‌دانیم، پندنامه «شاید، در مجموع، معروف‌ترین اثر منسوب به عطار باشد که از قرن نهم به بعد، در کتاب‌شناسی‌ها دیده می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۳۷)؛ بنابراین بیت الحاقی فوق، متعلق به سده‌ی نهم هجری به بعد است.

چاپ سنگی لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)	چاپ عکسی پتته
موسی... را در دل آمد که: «همین منم که خداوند... با من سخن می‌گوید.» ندا آمد که:	موسی... را در دل آمد که: «همین منم که خداوند... با من سخن می‌گوید.» ندا

<p>«این عصا بر سنگ زن!» عصا بر سنگ زد، صحرائی دید صد هزار همچو موسی عصا بردست گرفته... «أرنی (اعراف/۱۴۳)» گویند. صد هزاران همچو موسی هست در هر گوشه‌ای / ربّ أرنی گو شده دیدارجویان آمده والسّلام (منیری، ۱۳۱۹ق: ۲۰).</p>	<p>آمد که: «عصا بر سنگ زن!» عصا بر سنگ زد، صحرائی دید صد هزار موسی عصا بر دست گرفته... می گویند: «أرنی (اعراف/۱۴۳)»، والسّلام (منیری، ۱۹۹۴م: ۲۳ پ).</p>
---	---

بیت فوق با اختلاف «صد هزاران همچو موسی مست در هر گوشه‌ای» (خلیلی افغان، ۱۳۰۹: ۲۱۳) در غزلی به نام پیر هرات (۳۹۶ - ۴۸۱ ق) آمده است؛ گرچه نویسنده‌ی در هرگز و همیشه‌ی انسان درباره‌ی شعرهای فارسی خواجه عبدالله انصاری بر این باور است که «چنین می‌نماید که او هرگز به فارسی شعری نسروده است... این شعرها بی‌گمان سروده‌ی گویندگان ناتوان و کم‌تجربه‌ای است که در قرن یازدهم و دهم می‌زیسته‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۴: ۱۲۰ - ۱۲۱). بر این اساس، بیت حاضر به هر روی متعلق به سده‌های دهم و یازدهم هجری است.

۴. ۱. ۲. ۳. دسته‌ی سوم

در این بخش از نوشتار به بررسی ابیات و نیز یک مصراع پرداخته‌ایم که نگارندگان از سرایندگان آن‌ها نشانی نیافتند.

الف. تمثیل و مثل

گویا کاتبان چاپ‌های سنگی در شواهد زیر، میان متن و ابیات افزوده‌ی خود پیوند تمثیلی برقرار کرده‌اند و به‌واقع ابیات الحاقی را در این موارد مانند تمثیل یا مثل، برای عینی-ساختن امور ذهنی و اقناع مخاطب و تأثیر بیشتر کلام به‌کار گرفته‌اند:

<p>چاپ سنگی لکهنو مورّخ ۱۲۸۷ ق (H)</p>	<p>چاپ عکسی پتته</p>
--	----------------------

<p>شرط رونده آن است که: تا به معروف نرسد، قناعت نکنند... و هرچند از کأس محبت، شراب معرفت بیش خورد، بیشتر خواهد و تشنه‌تر بود. بیت چه حسن است اینکه گر هر دم رخت را صد نظر بینم/هنوزم آرزو باشد که یک بار دگر بینم در همین معنی فرد (منیری، ۱۲۸۷ق: ۱۴۲).</p>	<p>شرط رونده آن است که: تا به معروف نرسد، قناعت نکنند... و هرچند از کأس محبت، شراب معرفت بیش خورد، بیشتر خواهد و تشنه‌تر بود. بیت (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۴۲ پ).</p>
---	--

<p>چاپ‌های سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)، آره مورخ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق (K) و لاهور مورخ ۱۳۱۹ ق (R)</p>	<p>چاپ عکسی پتته</p>
<p>پس مجاهده... آنجا نرساند که صحبت یک روزه‌ی این طایفه رساند. شعر مور مسکین هوسی داشت که در کعبه رسد/ دست در پای کبوتر زد و ناگاه رسید. نبینی که خوب و گه را طبع ایستادگی... است، چون او را صحبت... با آب افتد، به جریان آب جاری گردد و همچین مور را طیران صفت نیست، چون با کبوتر صحبت... یافت، به پریدن کبوتر، مور نیز پریدن گیرد؟ (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۷۴ پ - ۱۷۵ ر)</p> <p>منیری، ۱۲۸۷ق: ۱۷۴؛ منیری، ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ق، ج ۲: ۲۳؛ منیری، ۱۳۱۹ ق: ۱۵۳.</p>	<p>بسی مجاهدت... آنجا نرساند که صحبت یک روزه‌ی این طایفه رساند. نبینی که خوب و گه را طبع ایستادگی... است، چون او را صحبت... با آب افتد، به جریان آب جاری گردد و همچین مور را طیران صفت نیست، چون با کبوتر صحبت... یافت، به پریدن کبوتر، مور نیز پریدن گیرد؟ (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۷۴ پ - ۱۷۵ ر)</p>

چنان‌که پیداست، کاتبان سه چاپ فوق، بیت حاضر را حتی بدون توجه به گزاره‌ها در موضع نامناسبی از متن افزوده‌اند؛ زیرا افزودن بیت حاضر به پایان متن موجه‌تر به نظر می‌رسد.

ب. تداعی معانی

به احتمال بسیار، کاتبان ابیات زیر را که به مضمون گزاره‌های پیش از آن‌ها بسیار نزدیک است و به گونه‌ای تکرار معنا و الفاظ آن گزاره‌هاست، به سبب تداعی معانی به چاپ‌های سنگی افزوده باشند، گرچه حذف آن‌ها گسستی در نظام معنایی کلام ایجاد نمی‌کند.

چاپ عکسی پتته	چاپ سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)
نعم، طالب در آفتاب قهر خوش‌تر از آن بود که در سایه‌ی لطف... [که] گفته‌اند: «در فراق امید وصال است و در وصال خوف هجر» (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۷۰ پ).	نعم، طالب در آفتاب قهر خوش‌تر از آن بود که در سایه‌ی لطف... که گفته‌اند: «در فراق امید وصال است و در وصال خوف هجر (هامش: ن فراق است)». رباعی ای دل مشو از هجر مشوش احوال / در آرزوی وصال بسیار منال / در وصل بود بیم ز هجران لیکن / در هجر بود همیشه امید وصال (منیری، ۱۲۸۷ ق: ۱۷۰).

گفتنی است در عرفات/العاشقین یک رباعی به صورت «ای دل شب هجران بت مشکین خال / از درد مکن شکوه و از هجر منال / خرسند به هجر باش و خاموش نشین / کاین شام فراق را رسد صبح وصال» (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۲۳۳۷) به نام خواجه صاین‌الدین علی ترکه (م. حدود ۸۳۵ ق) آمده که به رباعی بالا نزدیک است.

چاپ سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)	چاپ عکسی پتته
<p>ای برادر! اگر عصمت همه پاکان... را لباس طینت تو سازند، نگر تا فریفته نشوی! ... آن گوی که سوخته‌ای گفته است: رباعی حاشا که دلم از تو جدا خواهد شد/ یا با کس دیگر آشنا خواهد شد/ از مهر تو بگسلد، که را دارد دوست؟/ وز کوی تو بگذرد، کجا خواهد شد؟ بیت اگر از تو برکنم دل به کجا برم نگارا/ ز در تو بازگردم که کند قبول ما را؟ (منیری، ۱۲۸۷ق: ۱۹۸)</p>	<p>ای برادر! اگر عصمت همه پاکان... را لباس طینت تو سازند، نگر تا فریفته نشوی! ... آن گوی که سوخته گفته است: رباعی حاشا که دلم از تو جدا خواهد شد/ یا با کس دیگر آشنا خواهد شد/ ار (کذا) مهر تو بگسلد، که را دارد دوست؟/ وز کوی [تو] بگذرد، کجا خواهد شد؟ (منیری، ۱۹۹۴م: ۲۰۰ ر - ۲۰۰ پ)</p>

ج. برگرداندن منظوم معنا

چاپ سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)	چاپ عکسی پتته
<p>نبینی که اگر آن شغل را بدو بازدهند... به شادی در عالم نگنجد و مترنم این مضمون باشد: مصرع چنان خوش حالتی دارم که در عالم نمی‌گنجم و به ارواح پیران... دعوت‌ها سازد؟ (منیری، ۱۲۸۷ق: ۱۶۱)</p>	<p>نبینی که اگر آن شغل بدو بازدهند... به شادی در عالم نگنجد و به روح پیران... دعوت‌ها سازد؟ (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۶۱ پ)</p>

د. ایضاح متن

چاپ سنگی آرهِ مورخ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق (K)	چاپ عکسی پتته
فضل صحبت از اینجا بشناسند، تا این دولت میسر شود. و بدان که از رسم و عادت نتواند که بیرون آید، مگر در سایه‌ی دولت صحبت اهل، چنان‌که گفت... تا در ره تست عادت خویش / شیطان و منافقی نه درویش» (منیری، ۱۲۸۶-۱۲۸۷ق، ج ۲: ۲۴).	فضل و اثر صحبت اینجا بشناسند، تا این دولت میسر شود (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۷۵ ر).

در این نمونه، دو بیت از حدیقه‌الحقیقه سنایی بر ابتدای بیت فوق مقدم بودند که چون در بخش پیشین نوشتار درباره‌ی آن‌ها گفته شد، در اینجا حذف گردید، اما نگارندگان از بیت فوق نشانی نیافتند.

ی. ابیات بی‌ارتباط با متن

چنان‌که گذشت، به باور نگارندگان، ابیات افزوده‌ی زیر هیچ پیوندی با متن ندارند و با حذف آن‌ها گسستی در نظام معنایی کلام ایجاد نمی‌شود:

چاپ‌های سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H) و آرهِ مورخ ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق (K)	چاپ عکسی پتته
این است معنی آن حدیث که: «الشیخُ فی قومهِ کالنبیِّ فی اُمَّتِهِ»، یعنی چنان‌که صدیقان خدای را در آینه‌ی دل‌های پیغامبران ببینند، مریدان خدای را در	این است معنی آن حدیث: «الشیخُ فی قومهِ کالنبیِّ فی اُمَّتِهِ»، یعنی چنان‌که صدیقان خدای را در آینه‌ی دل‌های پیغامبران ببینند، مریدان خدای را

<p>در آیینی دل‌های پیران ببینند، یعنی بشناسند و بدانند، دیدن این بود (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۷۴ ر).</p>	<p>در آیینی دل‌های پیران ببینند، یعنی بشناسند و بدانند، دیدن این بود. قطعه بر لوح دلت نقش اگر هیچ حروف است / یک رمز ز اسرار معانی نبدانی / چون محو شد از لوح دلت حرف تمامت / می‌دان که شدی محرم اسرار معانی (رک. منیری، ۱۲۸۷ق: ۱۷۳؛ منیری: ۱۲۸۶-۱۲۸۷ق، ج ۲: ۲۲).</p>
---	--

چاپ سنگی آره مورخ ۱۲۸۶-۱۲۸۷ ق (K)	چاپ عکسی پتته
<p>این همه نعمت‌های بهشت بر وی مباح شود، ولیکن نتواند که گرد کارها گردد... پس کسی را که آن دولت فوت شد، او چه یافت؟ و کسی را این نعمت میسر گشت، او را چه قوت (کذا) شد؟ نظم تا توز وجود بر نیایی / در موعده وصل در نیایی / در منزل عشق گر نهی پای / ... (سه کلمه‌ی ناخوانا) او به سر نیایی (منیری، ۱۲۸۶-۱۲۸۷ق، ج ۲: ۱۰۲-۱۰۳).</p>	<p>آن همه نعمت‌های بهشت بر وی مباح شود، ولیکن نتواند که گرد کارها گردد... پس کسی را که همه آن دولت فوت شد، او چه یافت؟ و کسی را که آن نعمت میسر گشت، او را چه فوت شد؟ (منیری، ۱۹۹۴م: ۲۳۳ ر - ۲۳۳ پ)</p>

چاپ سنگی لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (H)	چاپ عکسی پتته
هر زنده‌پوشی (کذا)... که او را با خداوند کاری است، پادشاه دو جهان است، هرچند نان شب ندارد. از اینجاست که گفته‌اند: بیت هرکه را یک خرقة و نانی بود / در دو کونش ملک سلطانی بود (منیری، ۱۲۸۷ق: ۱۹۳).	هر ژنده‌پوشی... که او را با خداوند خود کاری است، پادشاه هر دو جهان است، هرچند نان شب ندارد (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۹۵ ر).

۵. نتیجه‌گیری

مکتوبات صدی به‌عنوان مهم‌ترین اثر فارسی شرف‌الدین منیری، از زمان تألیف، همواره مورد توجه بوده و این خود سبب کثرت استنساخ و در نتیجه، گاه افزودن ابیات از سوی کاتبان به این اثر شده است. از سوی دیگر، مکتوبات صدی هشت‌بار در شبه‌قاره به شیوه‌ی چاپ سنگی منتشر شده و ابیاتی نیز از سوی کاتبان به این چاپ‌ها که نقش مصحح اثر را نیز بر عهده داشتند، افزوده شده است، که نگارندگان آن‌ها را در نسخ کهنی که در دست دارند، نیافته‌اند. در نوشتار حاضر، بررسی و تحلیل این ابیات در پنج چاپ سنگی در دسترس، در کانون نگاه نویسندگان قرار گرفت، که افزون بر این که به‌عنوان یک دلیل، لزوم تصحیح انتقادی مکتوبات صدی را بیش از پیش نشان می‌دهد، نتایج زیر را نیز در اختیار ما قرار می‌دهد:

۱. ابیات الحاقی که در پیوند با پنج چاپ سنگی با رویکردی بلاغی به‌کاررفته‌اند، به سه دسته تقسیم می‌شوند: نخست ابیات سخنورانی که پیش از درگذشت شیخ منیری می‌زیسته‌اند و دیگر، اشعار گویندگان پس از شرف‌الدین و سوم ابیاتی که شاعران آن‌ها را نمی‌شناسیم.

۲. گذشته از ابیاتی که هیچ پیوندی با نظام معنایی کلام ندارند، دیگر ابیات افزوده در چاپ‌های سنگی به شش دلیل: ۱. تأکید و تأیید معنا؛ ۲. ایضاح متن؛ ۳. تکمیل و متمیم معنای اشعار؛ ۴. برگرداندن منظوم معنا؛ ۵. تداعی معانی؛ ۶. تمثیل و مثل، با مکتوبات صلی پیوند می‌یابند.

۳. حدیقه‌الحقیقه سنایی در میان آثاری که ابیاتی از آن‌ها از سوی کاتبان به چاپ‌های سنگی افزوده شده، دارای بیشترین بسامد است که به نظر می‌رسد دلیل آن را باید در مخاطب‌شناسی سنایی و پیدا کردن طیف گسترده‌ای از مخاطبان در شبه‌قاره یافت (رک. زرقانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵ - ۶).

۴. چنان‌که پیداست، در دو چاپ سنگی لکهنو مورخ ۱۳۰۳ ق / ۱۸۸۵ م (با رمز M) و کانپور مورخ ۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۱ م (با رمز S) هیچ بیت الحاقی نیامده است و این خود می‌تواند به‌عنوان دلیلی برای مدعی نگارندگان باشد که ابیات الحاقی در سه چاپ سنگی دیگر به‌یقین افزوده‌ی کاتبان آن‌هاست و به‌احتمال بسیار، ابیات افزوده حتی در نسخ متأخر مکتوبات صلی نیز وجود نداشته است.

۵. با مقایسه‌ی سه چاپ سنگی دیگر می‌توان گفت که بیشترین ابیات الحاقی به‌ترتیب در چاپ‌های سنگی آره مورخ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق (با رمز K) و سپس لکهنو مورخ ۱۲۸۷ ق (با رمز H) آمده است و چنان‌که می‌دانیم این دو چاپ در شمار نخستین چاپ‌های سنگی مکتوبات صلی هستند. نیز باید افزود که کاتب چاپ سنگی آره مورخ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق (با رمز K)، برای ایجاد انسجام متن با ابیات الحاقی، در بیشتر موارد، ناگزیر به افزودن گزاره‌هایی به متن اثر شده است.

یادداشت‌ها

۱. گفتنی است یکی از نگارندگان، تصحیح مکتوبات صلی را براساس هفت نسخه‌ی کهن و چهار چاپ سنگی به پایان رسانده و به‌زودی متنی منقح از آن عرضه خواهد کرد.

۲. برای آگاهی بیشتر، رک. مشار، ۱۳۳۷: ۱۴۸۷؛ همان، ۱۳۴۲: ۲۸۱۹ - ۲۸۲۰؛ همو، ۱۳۵۲: ۳۱۵۷؛ نوشاهی، ۱۳۹۱: ۶۷۴ - ۶۷۵.
۳. برای آگاهی بیشتر از این چاپ سنگی، رک. نوشاهی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۶۷۵.
۴. اصل: نباید (!)؛ متن مطابق حدیقه‌الحقیقه.
۵. اصل: همه که (!)؛ متن مطابق دیگر نسخ.
۶. به باور نگارندگان، بسامد ابیات افزوده از سنایی می‌تواند به دو دلیل باشد: نخست آن‌که شرف‌الدین که گویا با حدیقه‌الحقیقه مانوس بوده، در مطاوی مکتوبات صدی بسیار از آن بهره جسته است و شاید کاتبان چاپ‌های سنگی نیز این بسامد را در صد مکتوب دریافته و ابیاتی دیگر از حدیقه‌الحقیقه را به متن اثر افزوده باشند؛ دلیل دیگر مخاطب‌شناسی سنایی و پیداشدن طیف گسترده‌ای از مخاطبان در شبه‌قاره است (رک. زرقانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵ - ۶)، تا آنجا که عبداللطیف عباسی (م. پس از ۱۰۵۹ ق) حدیقه‌الحقیقه را براساس چندین نسخه‌ی خطی در آن سامان تصحیح و شرح کرد (رک. یاحقی و زرقانی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۵۲).

منابع

- افشین‌وفایی، محمد. (۱۳۹۲). «حافظ در شبه‌قاره». در: دانشنامه‌ی زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، زیر نظر گروه شبه‌قاره، ج ۳، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۲۸-۷.
- امیدسالار، محمود. (۱۳۸۹). سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- _____ (۱۳۸۴ - ۱۳۸۵). «علامه قزوینی و فن تصحیح متن». نامه‌ی بهارستان، سال ۶، شماره‌ی ۱ - ۲، دفتر ۱۱-۱۲، صص ۱۸۹-۲۰۶.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمدبن محمد. (۱۳۸۹). عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفين. تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری، آمنه فخراحمد، با نظارت علمی محمد قهرمان، ج ۴، تهران: میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۵). دیوان حافظ. به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری،

ج ۲، تهران: خوارزمی.

خاتمی، محمدصادق و همکاران. (۱۳۹۸). «ضرورت تصحیح انتقادی مکتوبات صدی از شرف‌الدین منیری». *متن‌شناسی ادب فارسی*، سال ۵۵، دوره‌ی جدید، سال ۱۱، شماره‌ی اول (پیاپی ۴۱)، صص ۳۷-۵۶.

خلیلی افغان. (۱۳۰۹). *آثار هرات*. به‌عنوان همایون اعلیحضرت نادرشاه غازی به اراده‌ی جناب جلالت‌مآب عبدالرحیم خان نائب سالار و وکیل نائب‌الحکومه‌ی هرات، به اهتمام آقای ارجمند عبدالعلیم جان پسر نائب سالار صاحب‌موصوف، ج ۲، هرات: مطبعه‌ی فخریه‌ی سلجوقی.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۳). *امثال و حکم*. ج ۱ و ۲، تهران: امیرکبیر.

رضوی، سیداطهرعباس. (۱۳۸۰). *تاریخ تصوف در هند*. ترجمه‌ی منصور معتمدی، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

زرقانی، سیدمهدی و همکاران. (۱۳۹۱). «مخاطب‌شناسی سنایی در آثار مشهور قرن ششم تا دهم هجری». *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)*، سال ۶، شماره‌ی ۳، پیاپی ۲۳، صص ۱-۳۴.

سعدی، مصلح‌بن‌عبدالله. (۱۳۸۵). *کلیات سعدی*. به تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: هرمس.

_____ (۱۳۸۹). *گلستان سعدی*. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.

سمعانی، شهاب‌الدین ابوالقاسم احمد. (۱۳۶۸). *روح‌الارواح فی شرح اسماء الملک الفتحاح*. به تصحیح و توضیح نجیب مایل هروی، تهران: علمی و فرهنگی.

سنایی، مجدودبن آدم. (۱۳۷۷). *حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه*. تصحیح و تحشیه‌ی محمدتقی مدرس رضوی، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

_____ (۱۳۸۲). *حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه (فخری‌نامه)*. به تصحیح و با مقدمه‌ی مریم حسینی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

_____ (۱۳۸۸). دیوان حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی. با

مقدمه و حواشی و فهرست به‌سعی و اهتمام محمدتقی مدرّس رضوی، تهران: سنایی.

_____ (۱۳۹۷). حدیقه‌الحقیقه. مقدمه، تصحیح، تعلیقات و فهرست‌ها

محمدجعفر یاحقی، سیدمهدی زرقانی. ج ۱، تهران: سخن.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۴). در هرگز و همیشه‌ی انسان (از میراث عرفانی خواجه

عبدالله انصاری). تهران: سخن.

شیمیل، آنه‌ماری. (۱۳۸۹). در قلمروی خانان مغول. ترجمه‌ی فرامرز نجد سمیعی، تهران:

امیرکبیر.

عطار، محمدبن‌ابراهیم. (۱۳۱۶). پندنامه. با مقدمه و تصحیح از روی نسخ متعدده به‌اهتمام

تقی حاتمی، به سرمایه‌ی حاج سیداحمد کتابچی مدیر. تهران: کتابفروشی اسلامیة.

_____ (۱۳۸۶). اسرارنامه. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی

کدکنی، تهران: سخن.

_____ (۱۳۸۷). منطق‌الطیر. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی

کدکنی، تهران: سخن.

عین‌القضات، عبدالله‌بن‌محمد. (۱۳۷۳). تمهیدات. با مقدمه و تصحیح و تحشیه و تعلیق

عفیف عسیران، تهران: کتابخانه‌ی منوچهری.

لعلی بدخشی، میرزا لعل بیگ. (۱۳۷۶). ثمرات‌القدس من شجرات‌الانس. تصحیح سیدکمال

سیدجوادی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مشار، خانابا. (۱۳۳۷). فهرست کتاب‌های چاپی فارسی. ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر

کتاب.

_____ (۱۳۴۲). فهرست کتاب‌های چاپی فارسی. ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر

کتاب.

_____ (۱۳۵۲). فهرست کتاب‌های چاپی فارسی از آغاز تا آخر سال ۱۳۴۵ براساس

فهرست خانابا مشار و فهارس انجمن کتاب. ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

درنگی بر چگونگی پیوند ابیات الحاقی در چاپ‌های سنگی.../محمدصادق خاتمی _____ ۱۶۹

مطبع الامام، سید. (۱۳۷۲ش / ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳م). شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری و سهم او در نثر متصوفانه‌ی فارسی. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. منیری، شرف‌الدین. مکتوبات صدی، اسلام‌آباد: کتابخانه‌ی گنج‌بخش، شماره‌ی ۱۳۹۲۶ [نسخه‌ی خطی]، تاریخ کتابت: سده‌ی ۸ ق.

_____ مکتوبات صدی. اسلام‌آباد: کتابخانه‌ی گنج‌بخش، شماره‌ی ۱۴۷۱۳ [نسخه‌ی خطی]، تاریخ کتابت: سده‌ی ۸ ق.

_____ (۱۹۹۴م). مکتوبات صدی، نسخه‌ی عهد مصنف [چاپ عکسی]، (صفحه‌شمار گوناگون). تعارف پروفیسر سیدحسن عسکری، تقدیم سیدشاه محمد اسمعیل روحی، پتنه: خدابخش اورینتل پبلک لائبریری.

_____ مکتوبات صدی. اسلام‌آباد: کتابخانه‌ی گنج‌بخش، شماره‌ی ۴۰۵۵ [نسخه‌ی خطی]، تاریخ کتابت: سده‌ی ۹ ق.

_____ مکتوبات صدی. تهران: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، شماره‌ی ۱۷۵۸۶ [نسخه‌ی خطی]، بدون تاریخ کتابت: [احتمالاً سده‌ی ۹ ق].

_____ مکتوبات صدی. کشمیر: کتابخانه‌ی علامه اقبال دانشگاه کشمیر، شماره‌ی 93701 [نسخه‌ی خطی]، تاریخ کتابت: ۱۰۴۱ ق.

_____ (۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق). مکتوبات صدی [چاپ سنگی]. به‌اهتمام منشی جیکوبندها و انتظام یاد علی‌خان. ۲ ج، آره: مطبع منشی سنت پرشاد صاحب آروی.

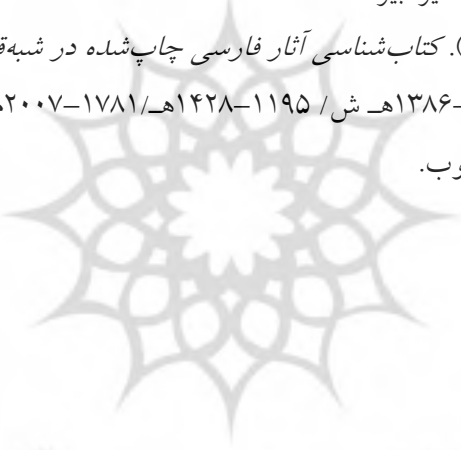
_____ (۱۲۸۷ ق / ۱۸۷۰م). مکتوبات صدی [چاپ سنگی]. با تصحیح و مقابله و تحشیه‌ی محمدعلی اکرم صاحب آروی (د. پس از ۱۳۰۶ ق)، به‌سعی و اهتمام محمد علیبخشان (مدیر مطبع)، لکهنو: مطبع علوی.

_____ (۱۳۰۳ ق / ۱۸۸۵م)، مکتوبات حضرت شیخ شرف‌الدین یحیی منیری قدس سره [چاپ سنگی]. حسب تحریک جناب مولانا محمد ابوالحسن صاحب، لکهنو: مطبع منشی نول‌کشور.

_____ (۱۳۱۹ ق / ۱۹۰۲ - ۱۹۰۱م). سه صدی مکتوبات (مضامین تصوف و

۱۷۰ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۲، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۹۹ (پیاپی ۴۶)

عرفان) [چاپ سنگی]. لاهور: مطبع اسلامی، کتبخانه‌ی اسلامی پنجاب.
_____ (۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۱ م). مکتوبات حضرت شیخ شرف‌الدین یحیی منیری
قدس سره [چاپ سنگی]. حسب تحریک جناب مولانا محمد ابوالحسن صاحب،
کانپور: مطبع منشی نول کشور.
مولوی، جلال‌الدین محمد. (۲۵۳۵). کلیات شمس یا دیوان کبیر. با تصحیحات و حواشی
بدیع‌الزمان فروزانفر، جزو ششم، تهران: امیرکبیر.
میلدی، احمد بن احمد. (۱۳۸۲). کشف‌الاسرار و عدّه‌الابرار. به سعی و اهتمام علی اصغر
حکمت، ج ۹، تهران: امیرکبیر.
نوشاهی، عارف. (۱۳۹۱). کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره (هند، پاکستان،
بنگلادش) از ۱۱۶۰-۱۳۸۶ هـ ش / ۱۱۹۵-۱۴۲۸ هـ / ۱۷۸۱-۲۰۰۷ م. ج ۱، تهران: مرکز
پژوهشی میراث مکتوب.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی